

جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره

تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

همچنین می‌توانید در شبکه‌های

اجتماعی ایتا، واتساپ و تلگرام با

شماره فوق سفارش خود را ثبت

فرمایید.

www.hpbook.ir

[@hoghoghepoyapub](https://www.instagram.com/hoghoghepoyapub)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستیار دادگاه حقوقی

جلد سوم

نکات دستور تعیین وقت رسیدگی

حسن فضلی (مستشار دادگاه تجدید نظر استان تهران)
مجید عطایی جنتی (رئیس شعبه دادگاه عمومی و حقوقی)
حسن سهرابی (رئیس شعبه دادگاه عمومی و حقوقی تهران)
زهرا داوطلب (قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری)
محبوبه خدیوی (قاضی دادگستری)

نشر حقوق پویا

عنوان قرارداد: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور: نکات دستور تعیین وقت رسیدگی / حسن فضلی ... او دیگران.
مشخصات نشر: قم، حقوق پویا، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: وزیری، ۳۴۲ صفحه
شابک دوره: ۴-۳-۴۳-۶۷۷۵-۶۲۲-۹۷۸
شابک جلد سوم: ۷-۶-۷-۹۹۰۷۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: حسن فضلی / مجید عطایی جنتی / حسن سهرابی / زهرا داوطلب / محبوبه خدیوی
موضوع: تعیین وقت رسیدگی -- ایران
آیین دادرسی در دادگاه - ایران
شناسه افزوده: امانی شلمزاری، عزت‌الله
رده‌بنده کنگره: KMH ۱۷۰۴
رده‌بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۴۱۶۲۱

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی و Pdf و...) از این اثر بدون أخذ مجوز از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد. لطفاً در صورت مشاهده موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

دستیار دادگاه حقوقی

جلد سوم

نکات دستور تعیین وقت رسیدگی



حسن فضلی / مجید عطایی جنتی / حسن سهرابی / زهرا داوطلب / محبوبه خدیوی

■ ناشر: حقوق پویا
■ چاپ: اول ۱۴۰۱
■ تعداد: ۲۰۰ نسخه
■ قیمت: ۲۲۵۰۰۰ تومان
■ شابک جلد سوم: ۷-۶-۷-۹۹۰۷۴-۶۲۲-۹۷۸

قم / خیابان ارم / جنب بانک ملی / پاساژ ناشران / پلاک ۲۲ تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۹۲۷۴

ثبت سفارش از طریق پیام‌رسان‌های واتساپ، ایتا و تلگرام توسط شماره: ۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

■ کانال تلگرام: haghoghhepoyapub ■ کانال ایتا: nashrehoghoghhepoya

■ اینستاگرام: pooyalaw ■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir

<<<<<<<< ارسال کتاب به تمام نقاط کشور >>>>>>>>

فهرست مطالب

۱. مقدمه	۱
۲. اقامه دعاوی متعدد در یک دادخواست	۲
۳. انواع اوقات	۱۸
۳-۱- وقت رسیدگی	۱۸
۳-۱-۱- وقت رسیدگی عادی	۱۸
۳-۱-۲- وقت رسیدگی نزدیک	۲۴
۳-۱-۳- وقت رسیدگی خارج از نوبت	۲۵
۳-۲- وقت نظارت	۳۰
۳-۳- وقت فوق العاده	۳۰
۴. تصمیمات قضایی قبل از دستور تعیین وقت رسیدگی	۳۲
۴-۱- تامین خواسته	۳۲
۴-۱-۱- نکات قرار تامین خواسته	۳۲
۴-۱-۱-۱- همزمانی دستور تعیین وقت رسیدگی و قرار تامین خواسته	۳۲
۴-۱-۱-۲- مرجع صالح در صدور قرار تامین خواسته	۳۲
۴-۱-۱-۳- زمان صدور قرار تامین خواسته	۳۶
۴-۱-۱-۴- خسارت احتمالی بند د ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی	۴۰
۴-۱-۱-۵- موارد عدم نیاز به تودیع خسارت احتمالی	۴۲
۴-۱-۱-۶- قرار تامین خواسته در دعاوی اجرت المثل، مطالبه نفقه و غیره	۵۰
۴-۱-۱-۷- قرار تامین خواسته در مواردی که خواسته انجام یک عمل باشد	۵۶
۴-۱-۱-۸- اخطار رفع نقص در قرار تامین خواسته	۵۷
۴-۱-۱-۹- قابلیت اعتراض قرار تامین خواسته	۵۸

- ۴-۱-۱-۱۰-۱ عدم نیاز به تعیین وقت رسیدگی در قرار تامین خواسته ۶۰
- ۴-۱-۱-۱۱-۱ موارد لغو قرار تامین خواسته ۶۰
- ۴-۱-۱-۱۲-۱ اعتراض به قرار تامین خواسته از ناحیه خوانده ۶۱
- ۴-۱-۱-۱۳-۱ رسیدگی به دعوا در صلاحیت داور و تاثیر آن در صدور قرار تامین خواسته از ناحیه دادگاه ۶۲
- ۴-۱-۱-۱۴-۱ تقاضای لغو قرار تامین خواسته توسط شخص ثالث ۶۴
- ۴-۱-۱-۱۵-۱ تقویم خواهان و تاثیر آن در صدور قرار تامین خواسته ۶۵
- ۴-۱-۱-۱۶-۱ تاثیر تقدیم دادخواست خارج از مهلت ده روزه بر قرار تامین خواسته ۶۹
- ۴-۱-۱-۱۷-۱ نحوه آمار کسر کردن قرار تامین خواسته ۷۲
- ۴-۱-۱-۱۸-۱ تامین خواسته از اموال مجلوب ثالث ۷۳
- ۴-۱-۱-۱۹-۱ صدور تامین خواسته در یک شعبه و ارجاع دادخواست اصلی به شعبه دیگر ۷۴
- ۴-۱-۱-۲۰-۱ مرجع صالح رسیدگی به اعتراض قرار تامین خواسته ۷۷
- ۴-۱-۱-۲۱-۱ مطالبه خسارات ناشی از اجرای قرار تامین خواسته ۷۹
- ۴-۱-۱-۲۲-۱ تعارض بین مواد ۱۱۲ و ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی ۸۲
- ۴-۱-۲-۱-۲-۱ نمونه قرارهای تامین خواسته ۸۵
- ۴-۱-۲-۱-۱-۴-۱ تامین خواسته موضوع بند د ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی ۸۵
- ۴-۱-۲-۱-۲-۱-۴-۲-۱ قرار تامین خواسته موضوع ماده ۷ قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجراء طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانک‌ها ۸۶
- ۴-۱-۲-۱-۳-۱-۴-۲-۱ تامین خواسته چک (گواهی عدم پرداخت بعد از ۱۵ روز) ۸۷
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۴-۴-۱ تامین خواسته (موضوع دعوا سند عادی) ۸۸
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۵-۱ تامین خواسته (تودیع خسارت احتمالی) ۸۹
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۶-۱ تامین خواسته چک (گواهی عدم پرداخت ظرف ۱۵ روز) ۸۹
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۷-۱ تامین خواسته در صورتی که دادگاه صالح نباشد ۹۰
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۸-۱ تامین خواسته زمانی که میزان خواسته معلوم و عین معین نباشد ۹۱
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۹-۱ تامین خواسته سفته (واخواست بعد از ۱۰ روز) ۹۲
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۱۰-۱ تامین خواسته سفته (عدم واخواست) ۹۳
- ۴-۱-۲-۱-۴-۲-۱-۱۱-۱ تامین خواسته سفته (واخواست ظرف ده روز) ۹۴

۲-۴-۲- دستور موقت ۹۵

- ۲-۴-۱- نکات دستور موقت ۹۵
- ۲-۴-۱-۱- صلاحیت ۹۵
- ۲-۴-۲-۱- شرایط تامین در دستور موقت ۱۰۲
- ۲-۴-۳-۱- فوریت در دستور موقت ۱۰۹
- ۲-۴-۴-۱- تایید رئیس حوزه قضایی در دستور موقت ۱۱۱
- ۲-۴-۵-۱- موضوع دستور موقت ۱۱۴
- ۲-۴-۶-۱- تفاوت موضوع دستور موقت با موضوع دعوای اصلی ۱۱۹
- ۲-۴-۷-۱- زمان تقدیم درخواست دستور موقت ۱۲۲
- ۲-۴-۸-۱- تایید دستور موقت توسط رئیس حوزه قضایی در مرحله تجدیدنظر استان ۱۲۳
- ۲-۴-۹-۱- اعتراض به قرار دستور موقت ۱۲۴
- ۲-۴-۱۰-۱- رفع اثر از دستور موقت در صورت تودیع تامین از ناحیه خوانده ... ۱۲۸
- ۲-۴-۱۱-۱- رفع اثر از دستور موقت ۱۳۲
- ۲-۴-۱۲-۱- شرایط مطالبه خسارت توسط خوانده از خواهان در دستور موقت ۱۳۶
- ۲-۴-۱۳-۱- زمان طرح درخواست مطالبه خسارت از ناحیه خوانده در دستور موقت ۱۳۶
- ۲-۴-۱۴-۱- طریقه مطالبه خسارت از ناحیه خوانده ۱۳۷
- ۲-۴-۱۵-۱- دستور موقت در قوانین خاص ۱۳۸
- ۲-۴-۱۶-۱- مدت اعتبار دستور موقت ۱۴۴
- ۲-۴-۱۷-۱- صدور دستور موقت در دعاوی که در صلاحیت داور است ۱۴۶
- ۲-۴-۱۸-۱- صدور دستور موقت و صالح نبودن دادگاه حین رسیدگی ۱۴۹
- ۲-۴-۱۹-۱- صدور دستور موقت در دعوای مطالبه وجه چک ۱۵۲
- ۲-۴-۲۰-۱- صلاحیت شورای حل اختلاف در صدور دستور موقت ۱۵۶
- ۲-۴-۲۱-۱- صدور دستور موقت در مرحله اجرای حکم ۱۶۱
- ۲-۴-۲۲-۱- تقاضای دستور موقت از ناحیه وخواه در مرحله واخواهی ۱۶۴
- ۲-۴-۲۳-۱- تصحیح دستور موقت بعد از صدور آن ۱۶۵
- ۲-۴-۲۴-۱- دستور موقت در دعاوی ثلاث ۱۶۶

- ۴-۲-۱-۲۵- تفاوت شعبه رسیدگی به دستور موقت با شعبه رسیدگی به دعوای اصلی..... ۱۶۷
- ۴-۲-۱-۲۶- تفاوت‌های تامین خواسته و دستور موقت..... ۱۶۹
- ۴-۲-۲-۲- نمونه قرارهای دستور موقت ۱۷۰
- ۴-۲-۲-۱- قرار قبولی دستور موقت ۱۷۰
- ۴-۲-۲-۲- دستور موقت در خصوص توقیف خودرو..... ۱۷۱
- ۴-۲-۲-۳- دستور موقت در خصوص حضانت..... ۱۷۲
- ۴-۲-۲-۴- دستور موقت در خصوص ملاقات فرزند..... ۱۷۳
- ۴-۲-۲-۵- دستور موقت مبنی بر تحویل فرزند ۱۷۴
- ۴-۲-۲-۶- دستور موقت در خصوص چک ۱۷۵
- ۴-۲-۲-۷- دستور موقت (عدم تودیع خسارت احتمالی)..... ۱۷۶
- ۴-۲-۲-۸- دستور موقت جهت ممنوع الخروج کردن فرزند..... ۱۷۷
- ۴-۲-۲-۹- رد درخواست دستور موقت نتیجه دعوای اصلی (تحویل فرزند، حضانت فرزند)..... ۱۷۸
- ۴-۲-۲-۱۰- دستور موقت موضوع ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۷۹
- ۴-۲-۲-۱۱- دستور موقت موضوع ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۸۱
- ۴-۲-۲-۱۲- رد دستور موقت به اعتبار عدم پرداخت هزینه کارشناسی..... ۱۸۲
- ۴-۲-۲-۱۳- رد درخواست دستور موقت (نتیجه دعوای اصلی)..... ۱۸۳
- ۴-۲-۲-۱۴- رد درخواست دستور موقت (عدم فوریت)..... ۱۸۴
- ۴-۲-۲-۱۵- رد دستور موقت (عدم پرداخت خسارت احتمالی)..... ۱۸۵
- ۴-۲-۲-۱۶- رد دستور موقت به دلیل عدم پرداخت هزینه دادرسی درخواست دستور موقت ۱۸۶
- ۴-۲-۲-۱۷- رد درخواست دستور موقت به دلیل عدم پرداخت خسارت احتمالی..... ۱۸۷
- ۴-۲-۲-۱۸- رد درخواست دستور موقت در خصوص چک..... ۱۸۸
- ۴-۲-۲-۱۹- عدم پرداخت هزینه کارشناسی در دستور موقت ۱۸۹
- ۴-۲-۲-۲۰- نمونه قرار کارشناسی جهت تعیین میزان خسارت احتمالی و سپردن تامین متناسب..... ۱۹۰

۴-۳- توقیف عملیات اجرایی..... ۱۹۱

- ۴-۳-۱- توقیف عملیات اجرایی در مورد اسناد ۱۹۱

- ۱۹۱-۳-۱-۱-۴- همزمانی درخواست توقیف عملیات اجرایی با طرح دعوای اصلی..... ۱۹۱
- ۱۹۳-۳-۱-۲-۴- شرایط توقیف عملیات اجرایی در مورد اسناد..... ۱۹۳
- ۱۹۶-۳-۱-۳-۴- نوع تامین در قرار توقیف عملیات اجرایی در مورد اسناد..... ۱۹۶
- ۱۹۶-۳-۱-۴- تامین در صورتی که موضوع سند لازم الاجرا وجه نقد باشد..... ۱۹۶
- ۲۰۲-۳-۱-۵-۴- مستند قانونی در خصوص توقیف عملیات اجرایی در مورد اسناد ۲۰۲
- ۲۰۲-۳-۲-۴- توقیف عملیات اجرایی در مورد احکام دادگاه (اعتراض ثالث حکمی).. ۲۰۲**
- ۲۰۳-۳-۱-۲-۴- همزمانی دادخواست توقیف عملیات اجرایی با اعتراض ثالث حکمی ۲۰۳
- ۲۰۴-۳-۲-۲-۴- شرایط توقیف عملیات اجرایی در مورد احکام..... ۲۰۴
- ۲۰۴-۳-۲-۳-۴- نوع تامین در قرار توقیف عملیات اجرایی در مورد احکام..... ۲۰۴
- ۲۰۵-۳-۲-۴- مدت قرار توقیف عملیات اجرایی در مورد احکام..... ۲۰۵
- ۲۰۶-۳-۲-۵-۴- نمونه آرای اعتراض ثالث حکمی ۲۰۶
- ۲۰۶-۳-۲-۱-۵-۴- نمونه رای قبول اعتراض ثالث حکمی ۲۰۶
- ۲۰۸-۳-۲-۲-۵-۴- نمونه رای رد اعتراض ثالث حکمی ۲۰۸
- ۲۱۰-۳-۳-۴- توقیف عملیات اجرایی در مورد احکام دادگاه (اعتراض ثالث اجرایی). ۲۱۰**
- ۲۱۱-۳-۱-۳-۴- همزمانی دادخواست توقیف عملیات اجرایی با اعتراض ثالث اجرایی ۲۱۱
- ۲۱۲-۳-۳-۲-۴- شرایط توقیف عملیات اجرایی در اعتراض ثالث اجرایی ۲۱۲
- ۲۱۳-۳-۲-۳-۱-۴- قرار رد توقیف عملیات اجرایی ۲۱۳
- ۲۱۵-۳-۲-۳-۲-۴- قرار قبول توقیف عملیات اجرایی ۲۱۵
- ۲۱۷-۳-۲-۳-۳-۴- تفاوت‌های اعتراض ثالث اجرایی با اعتراض ثالث حکمی..... ۲۱۷
- ۲۱۷-۳-۲-۳-۱-۳-۴- تفاوت اول: مرجع رسیدگی..... ۲۱۷
- ۲۱۸-۳-۲-۳-۲-۳-۴- تفاوت دوم: رعایت تشریفات و عدم رعایت تشریفات ۲۱۸
- ۲۲۰-۳-۲-۳-۳-۴- تفاوت سوم: معیار تشخیص اعتراض ثالث حکمی و اعتراض ثالث اجرایی ۲۲۰
- ۲۲۰-۳-۲-۳-۴- نمونه قرار صادره در خصوص تفاوت اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث حکمی ۲۲۰
- ۲۲۱-۳-۴- توقیف اجرائیه چک موضوع ماده ۲۳ اصلاحی (۱۳۹۷/۰۸/۱۳) قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶..... ۲۲۱**
- ۲۲۱-۳-۴-۱- نکته اول: مرجع صالح جهت صدور قرار توقف اجرائیه چک (موضوع ماده ۲۳ اصلاحی قانون صدور چک)..... ۲۲۳

- ۴-۳-۲-۴- نکته دوم: شرایط توقیف اجرائیه چک موضوع ماده ۲۳ اصلاحی قانون صدور چک ۲۲۷
- ۴-۳-۴-۳- نکته سوم: نوع تامین موضوع توقف اجرائیه ماده ۲۳ اصلاحی قانون صدور چک ۲۲۹
- ۴-۳-۴-۴- نکته چهارم: نمونه تصمیم توقف عملیات اجرایی چک ۲۳۰
- ۴-۳-۵- توقف عملیات اجرایی در مرحله واخواهی ۲۳۰
- ۴-۳-۵-۱- شرایط غیابی بودن رای ۲۳۰
- ۴-۳-۵-۲- شرایط صدور قرار قبولی دادخواست واخواهی ۲۳۱
- ۴-۳-۵-۳- نمونه قرار قبولی دادخواست واخواهی (فرض ابلاغ قانونی حکم) ۲۳۶
- ۴-۳-۵-۴- نمونه قرار رد دادخواست واخواهی (فرض اطلاع خواننده از مفاد حکم) ۲۳۷
- ۴-۳-۵-۵- نمونه قرار رد دادخواست واخواهی (خارج از مهلت در صورت ابلاغ واقعی حکم) ۲۳۸
- ۴-۳-۵-۶- اوصاف قرار قبولی واخواهی ۲۳۹
- ۴-۳-۵-۷- پرداخت هزینه دادرسی در قرار قبولی واخواهی ۲۳۹
- ۴-۳-۵-۸- تعیین وقت برای رسیدگی به واخواهی ۲۴۳
- ۴-۳-۵-۹- معنای توقف اجرای حکم در مرحله واخواهی ۲۴۸
- ۴-۳-۵-۱۰- قابل عدول نبودن قرار قبولی واخواهی ۲۵۳
- ۴-۳-۶- توقیف عملیات اجرایی در مقطع اعاده دادرسی ۲۵۴
- ۴-۳-۶-۱- شرایط صدور قرار قبولی اعاده دادرسی ۲۵۴
- ۴-۳-۶-۱-۱- صلاحیت دادگاه جهت رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی ۲۵۴
- ۴-۳-۶-۱-۲- اعاده دادرسی نسبت به احکام ۲۵۹
- ۴-۳-۶-۱-۳- اعاده دادرسی نسبت به حکم قطعی ۲۶۱
- ۴-۳-۶-۱-۴- اعاده دادرسی در داخل مهلت ۲۶۲
- ۴-۳-۶-۱-۵- دادخواست اعاده دادرسی منطبق با جهات مندرج در ماده ۴۲۶ ۲۶۴
- ۴-۳-۶-۲- نمونه قرار قبولی دادخواست اعاده دادرسی ۲۶۸
- ۴-۳-۶-۳- اوصاف قرار قبولی اعاده دادرسی ۲۶۸
- ۴-۳-۶-۴- پرداخت هزینه دادرسی در قرار قبولی اعاده دادرسی ۲۷۰
- ۴-۳-۶-۵- تعیین وقت رسیدگی در خصوص اعاده دادرسی ۲۷۱
- ۴-۳-۶-۶- معنای توقف اجرای حکم در مقطع اعاده دادرسی ۲۷۲

۲۷۲ ۴-۳-۶-۷- عدول از قرار قبول اعاده دادرسی

۲۷۵ ۴-۳-۷- توقیف عملیات اجرایی در مقطع فرجام خواهی

۲۷۶ ۴-۳-۸- توقیف عملیات اجرایی در خصوص رای داور

۲۷۸ ۵- تصمیمات قضایی همزمان با دستور تعیین وقت رسیدگی

۲۷۸ ۵-۱- ۱- دعوی اعسار از پرداخت محکوم به

۲۷۹ ۵-۱-۱- استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک:

۲۷۹ ۵-۱-۲- استعلام از بانک:

۲۸۰ ۵-۱-۳- نمونه دستور تعیین وقت رسیدگی دعوی اعسار از پرداخت محکوم به:

۲۸۰ ۵-۲- ۱- دعوی الزام به تنظیم سند رسمی

۲۸۱ ۵-۳- ۱- دعوی خلع ید

۲۸۱ ۵-۴- ۱- حجر

۲۸۲ ۵-۵- ۱- اهداء جنین

۲۸۳ ۶- ۱- ۱- دعوی که نیاز به تعیین وقت رسیدگی ندارند

۲۸۳ ۶-۱- ۱- درخواست دستور فروش املاک مشاع

۲۸۴ ۶-۱-۱- نمونه قبول درخواست دستور فروش ملک مشاع

۲۸۵ ۶-۱-۲- نمونه رد درخواست دستور فروش ملک مشاع

۲۸۶ ۶-۲- ۱- فوت خوانده قبل از تقدیم دادخواست

۲۸۷ ۶-۳- ۱- درخواست صدور اجرائیه چک

۲۸۸ ۶-۴- ۱- دادخواست اعسار از طرف تاجر و شخص حقوقی

۲۹۱ ۶-۵- ۱- درخواست اجرای رای هیات حل اختلاف کارگر و کارفرما

۲۹۵ ۶-۶- ۱- تعیین داور

۲۹۶ ۶-۶-۱- نکته اول: درخواست تعیین داور

۶-۶-۲- ضرورت یا عدم ضرورت تعیین وقت رسیدگی برای درخواست تعیین

داور..... ۳۰۰

۶-۶-۳- تکلیف دادگاه در صورت ادعای جعلیت نسبت به قرارداد داوری ... ۳۰۲

۶-۶-۴- نکته دوم: مهلت تعیین داوری..... ۳۰۲

۶-۶-۵- نکته سوم: نوع داوری و تاثیر آن در تصمیم دادگاه ۳۰۴

۶-۶-۶- نکته چهارم: شرایط تعیین داور ۳۰۸

۶-۶-۷- نکته پنجم: ماهیت تصمیم دادگاه در تعیین داور..... ۳۱۰

۶-۶-۸- نمونه قرار تعیین داور..... ۳۱۴

۶-۷- درخواست ابلاغ رای داور..... ۳۱۵

۶-۸- درخواست اجرای رای داور..... ۳۱۹

۶-۹- مواردی که دادگاه صلاحیت نداشته باشد ۳۳۰

منابع..... ۳۳۱

۱. مقدمه

در جلد اول کتاب "دستیار دادگاه حقوقی" در خصوص مبحث صلاحیت بحث شد در ادامه بیان کردیم که وقتی مقام قضایی خود را صالح به رسیدگی دانست، پرونده باید توسط مدیر دفتر طی گزارشی نزد مقام قضایی ارسال گردد و در جلد دوم کتاب "دستیار دادگاه حقوقی" در مبحث دادخواست بیان شد که مقام قضایی می‌بایست وفق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی دادخواست را کنترل و در صورتی که ناقص بود آن را به دفتر اعاده نماید، حال اگر دادخواست کامل بود در این صورت می‌بایست در پرونده اقدامات دیگری توسط مقام قضایی صورت گیرد. در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است که مقام قضایی، پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر دادگاه اعاده می‌نماید. حال در این خصوص مقام قضایی هنگامی که دستور تعیین وقت رسیدگی را صادر می‌نماید می‌بایست به نکاتی توجه نماید که در این جلد به این موارد می‌پردازیم.

۲. اقامه دعاوی متعدد در یک دادخواست

بعد از اینکه دادخواست به صورت کامل بود و نزد مقام قضایی ارسال شد، مقام قضایی قبل از صدور دستور تعیین وقت می‌بایست به نکاتی دقت نماید. یکی از آن موارد این است که در اغلب موارد خواهان یا وکیل خواهان در یک دادخواست دعاوی متعددی را مطرح می‌نماید. به عنوان مثال در دادخواست خود دعوای بطلان معامله، ابطال سند و الزام به تنظیم سند را مطرح می‌کند یا دعوای اثبات مالکیت و خلع ید را مطرح می‌کند یا دعوای خلع ید و اجرت المثل یا دعوای رفع مزاحمت و رفع تصرف عدوانی یا دعوای رفع تصرف عدوانی و خلع ید و امثال ذلک را مطرح می‌نماید. در این موارد حسب ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی که بیان می‌دارد: «اگر به موجب یک دادخواست دعاوی متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آن‌ها رسیدگی کند، دعاوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می‌کند و در غیر این صورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را مراجع صالح ارسال می‌نماید.»

در خصوص ماده فوق الذکر در مباحث آتی به نظریه دکترین حقوق، نشست‌های قضایی، نظریات مشورتی و رویه قضات دیوان عالی و تجدیدنظر اشاره می‌شود. لازم به ذکر است اولین نکته ای که مقام قضایی در دستور تعیین وقت باید رعایت کند این است که در خصوص این دعاوی تعیین تکلیف نماید چرا که عدم توجه به این نکته باعث اطاله دادرسی و سردرگمی مقام قضایی در روند رسیدگی می‌گردد.

نظریات دکترین حقوقی:

● «در بندهای ۳ و ۵ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی به تعیین خواسته و آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد اشاره شده است. از نظر حقوق دعاوی، هر دادخواست، حاوی یک دعوا است و تعدد خواسته که به تعدد دعوا می‌انجامد، خلاف اصل است و باید علتی برای پیوند آن دعاوی در یک دادخواست وجود داشته باشد. از

باسمه تعالی

به تاریخ پرونده کلاسه به نظر رسید با توجه به اینکه در تاریخ تعیین شده برای رسیدگی، اینجانب در مرخصی بوده ام و دادگاه نیز فاقد دادرس دیگر بوده / با توجه به اینکه تاریخ مقرر رسیدگی تعطیل عمومی اعلام شده است لذا مقرر است دفتر وقت رسیدگی نزدیک دیگری تعیین و طرفین دعوت شوند.

۳-۱-۳- وقت رسیدگی خارج از نوبت

موارد وقت رسیدگی خارج از نوبت مواردی است که قانونگذار در قانون قاضی را مکلف به رسیدگی خارج از نوبت نموده است که به شرح ذیل به این دعاوی اشاره می‌شود.

مصادیق دعاوی خارج از نوبت

مستند قانونی	موارد رسیدگی خارج از نوبت
ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی	رسیدگی به دعاوی ثلاث
ماده ۳۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی	رسیدگی در دیوان عالی کشور
مواد ۸۲ و ۸۲ مکرر قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ و اصلاحات بعدی	رسیدگی به دعاوی اعتراض مربوط به سلب عضویت از شوراهای اسلامی
ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲۳	اختلال در نقص یا عیب خودرو
مواد ۴ تا ۱ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۰۴/۲۹	تقاضای دریافت جنین
ماده واحده قانون الحاق یک ماده و دو تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۳/۲۳	اعتراض به عملکرد صدا و سیما
ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب	اعتراض به تشخیص وزارت نیرو مبنی بر انسداد چاه

ماده واحده قانونی الحاق یک تبصره به بند ۲۲ ماده ۳ آیین نامه سازمان بنادر و دریانوردی ۱۳۸۷/۱۰/۲۵	ساخت و ساز بدون مجوز در دریا یا رودخانه
ماده ۱۰ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۲۵	دعاوی مربوط به اراضی شهری
ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۰۶	دعاوی موضوع قانون توزیع عادلانه آب
ماده واحده قانون متمم قانون ثبت املاک در مناطق عشایری مصوب ۱۳۵۲/۰۹/۱۲	دعوی اعتراض به تصمیم هیات حل اختلاف ثبت در مناطق عشایری
ماده ۵ قانون توزیع عادلانه آب	اعتراض به حفر چاه در مجاورت چاه دیگر و تقاضای انسداد آن
مواد ۱۱ و ۱۲ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۶۲/۰۲/۱۳	دعاوی مربوط به تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره محل سکونی
ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴	دعوی اعسار از محکوم به
مواد ۳۱۰ و ۳۱۴ و ۳۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی	رسیدگی به درخواست دستور موقت
ماده ۱۳ قانون توزیع عادلانه آب	دعوی تعیین تکلیف دستگاه‌های حفاری غیرمجاز
ماده ۲۰ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۰۸/۰۱	رسیدگی به اختلاف در مفاد حکم دادگاه
ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی	رسیدگی به درخواست قرار تامین خواسته
ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب	دعوی مطالبه خسارت ناشی از تملک یا خشک شدن آب قنات و چشمه در اثر اجرای طرح‌های عمرانی وزارت نیرو
ماده ۲۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۶۲	دعاوی مربوط به حق مستاجر از آب، برق، تلفن و گاز در عین مستاجره (محل کسب و پیشه و تجارت)
ماده ۱۷ قانون توزیع عادلانه آب	دعوی اعتراض به تشخیص وزارت نیرو در

	مورد حریم چاه و قنات
ماده ۱۳۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۲۱	دعوی مطالبه خسارت از اعضای تعاونی‌ها توسط وزارت تعاون
ماده ۱۰ مکرر قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶ با الحاقات بعدی	دعوی اعتراض به نظر مدیر یا هیات مدیره واحدهای آپارتمانی در مورد بدهی و صورت ریز مطالبات به عنوان هزینه‌های مشترک
اصل ۱۰۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۸۱ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ و ۱۳۸۶/۰۶/۲۷ و ۱۳۹۲/۰۱/۲۷ و ۱۳۹۵/۰۲/۲۰	رسیدگی به دعوی اعتراض مربوط به انحلال شوراهای اسلامی
ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲/۱۲/۰۶	رسیدگی به دعوی تجدیدنظر مربوط به تصمیم دادگاه در مورد تصرف عدوانی، مزاحمت از حق و ممانعت از حق
ماده ۶ قانون ایمنی راه‌ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹/۰۴/۰۷	دعوی افراد ذینفع به طرفیت وزارت راه و ترابری در ارتباط با اقدامات آن وزارت مربوط به املاک آن‌ها
ماده ۱۹ قانون توزیع عادلانه آب	اعتراض به تصمیم هیات پنج نفره در مورد پروانه مصرف معقول آب
ماده یک قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشیه از تصادفات رانندگی به وسیله نقلیه موتوری مصوب ۱۳۴۵/۰۹/۱۳	دعوی مربوط به خسارات ناشی از تصادفات رانندگی
ماده ۱۰۷ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۰۳	دعوی حقوقی سازمان تامین اجتماعی
ماده واحده لایحه قانونی انتفاء مطالبات اشخاص از بابت فروش اراضی موات شهری مصوب ۱۳۵۸/۰۷/۱۸	دعوی مربوط به وثیقه مطالبات اشخاص از بابت فروش اراضی موات شهری
ماده ۱۲ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۲۲	اعتراض به تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی از جهت نوع زمین
ماده ۳۹ قانون توزیع عادلانه آب	دعوی اثبات اعراض ذیحق از حق مجرا در

	ملک دیگری
مواد یک و سه قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی مصوب ۱۳۲۲/۰۶/۲۷	دعاوی ابطال و توقیف اجرائیه‌های ثبتی
ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب	دعاوی تخلیه یا خلع ید از بستر رودخانه‌ها و قلع و قمع بناهای احدائی
تبصره ۴ قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۲۵	دعاوی مربوط به رقبات، آب و اراضی موقوفه
ماده ۴۲ قانون توزیع عادلانه آب	دعاوی ناشی از اختلاف در مورد میزان بهره برداری از آب‌های سطحی
ماده واحده قانون تخلیه واحدهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزشی دیگر که در اختیار سایر دستگاه‌ها، ارگان‌ها، سازمان و نهادهاست و تحویل آن به وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۲۰	درخواست تخلیه واحدهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش که در اختیار سایر مراجع می‌باشد
ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی	حل اختلاف در صلاحیت
قانون الزام تخلیه ساختمان‌های وزارت خانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، موسسات وابسته و دانشگاه‌ها که در اختیار سایر وزارتخانه‌ها و ارگان‌ها می‌باشد مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ تبصره الحاقی مصوب ۱۳۷۶/۰۴/۰۱	درخواست تخلیه سازمان‌های وزارت خانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، موسسات وابسته و دانشگاه‌ها، سازمان میراث فرهنگی، سازمان مراکز ایرانگردی، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و سازمان آموزش کشاورزی که در اختیار سایر وزارتخانه‌ها و ارگان‌ها می‌باشد
ماده ۱۴ قانون توزیع عادلانه آب	اعتراض به تشخیص وزارت نیرو در مورد اختلاف نظر بین صاحبان اراضی محیا مجاور چاه جدید الاحداث
ماده ۱۶ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ با اصلاحات بعدی	دعاوی حقوقی مربوط به چک

نظریه شماره ۷/۸۲/۴۷۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۰۶/۱۱

استعلام:

منظور از رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌ها چیست؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

مفهوم و معنای رسیدگی خارج از نوبت، رسیدگی فوری به این قبیل پرونده‌هاست ولی به مفهوم خارج کردن سایر پرونده‌ها از جریان رسیدگی نیست بلکه باید با اعمال مدیریت صحیح و بکارگیری تدابیر قضائی، پرونده‌های مشمول این مقرر را در چهارچوب قانونی و منطقی و با رعایت اولویت نوبت، مورد رسیدگی قرارداد تا خدشه‌ای به امور جاری رسیدگی به پرونده‌های دیگر وارد نیاید.

نظریه شماره ۷/۹۵/۴۸۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

با عنایت به ملاک ماده ۳۹۰ قانون آیین دادرسی در امور مدنی و لزوم رعایت بی طرفی دادگاه و اصل تساوی مردم در برابر قانون، جز در مواردی که بنا به تصریح قانون، موضوع دعوی از موارد رسیدگی خارج از نوبت است، دفتر دادگاه باید طبق نوبت دفتر تعیین اوقات، وقت رسیدگی تعیین کند. ثانیاً مستفاد از بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ که دستور تعیین وقت دادرسی خارج از ترتیب دفتر اوقات بدون علت موجه و نیز تاخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بدون ذکر آن، تخلف انتظامی و مشمول مجازات‌های انتظامی درجه ۴ تا ۷ دانسته شده است، لذا تغییر وقت رسیدگی تعیین شده، به صرف مراجعه و تقاضای خواهان بدون وجود علت موجه و جهت قانونی و ذکر آن، واجد منع قانونی است و متخلف قابل تعقیب انتظامی است.

۴-۲-۲- قرار تامین خواسته موضوع ماده ۷ قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجراء طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانک‌ها

بتاریخ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان به تصدی اینجانب امضاکننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.

قرار دادگاه

در خصوص درخواست مدیریت شعبه بانک استان با وکالت خانم به طرفیت دایر بر صدور قرار تامین و توقیف خواسته از اموال بلامعارض خواندگان به مبلغ ریال؛ دادگاه با توجه به اینکه بانک خواهان قراردادی با خواندگان در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا منعقد و نظر به اینکه مطابق ماده ۷ قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح تسهیل در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارائی بانک‌ها مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی قرارداد مذکور در حکم سند رسمی تلقی و برای صدور قرار تامین خواسته لزومی به تودیع خسارت احتمالی نبوده در خواست خواهان را وارد و ثابت تشخیص، قرار تامین و توقیف خواسته از اموال بلامعارض خواندگان به مبلغ ریال را صادر و اعلام می‌دارد. این قرار پس از ابلاغ ظرف ده روز پس از آن قابل اعتراض در این دادگاه و بلافاصله پس از ابلاغ به اجرا گذاشته می‌شود.

۴-۱-۲-۳- تامین خواسته چک (گواهی عدم پرداخت بعد از ۱۵ روز)

بتاریخ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان به تصدی اینجانب امضاکننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

قرار دادگاه

در خصوص درخواست آقای با وکالت به طرفیت آقای مبنی بر صدور قرار تامین خواسته از اموال بلامعارض خوانده مطالبه یک فقره چک تقدیمی به شماره عهده بانک به مبلغ ۲۸۵ میلیون ریال با توجه به اینکه خواهان در مهلت مقرر نسبت به اخذ گواهینامه عدم پرداخت مبادرت ننموده است اما حسب نظریه شماره ۱۳۰۶/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۴ مستنبط از بند ج ماده ۱۰۸ و صدور ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی برای صدور قرار تامین خواسته وجه چک و اخواست شده (گواهی عدم پرداخت اخذ شده) نیازی به ایداع خسارت احتمالی نیست و مهلت پانزده روزه و یا چهل و پنج روزه مذکور در ماده ۳۱۵ قانون تجارت نیز منصرف از صدور قرار تامین خواسته علیه صادرکننده و ضامن وی است به عبارت دیگر در صدور قرار تامین خواسته علیه ظهرنویسان قطعا صدور قرار تامین خواسته نیاز به اخواست سند در مهلت مقرر قانونی دارد. اگر سند در مهلت مقرر قانونی اخواست نشده باشد، صدور قرار تامین خواسته علیه ظهرنویسان به کلی منتفی است؛ زیرا در صورت عدم اخواست سند یا اخواست خارج از مهلت مقرر قانونی، همان طور که طرح دعوی علیه ظهرنویسان جهت مطالبه وجه سند تجاری ممکن نیست، درخواست تامین خواسته نیز علیه ایشان امکان پذیر نیست اما درباره صدور قرار تامین خواسته علیه صادرکننده در صورت اخواست سند خارج از مهلت مقرر، اختلاف نظر است. با توجه به عموم و اطلاق ماده ۲۹۲ قانون تجارت و بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی به نظر می رسد که چه سند تجاری در مهلت مقرر

قانونی و اخواست شده باشد و چه خارج از مهلت مقرر قانونی، صدور قرار تامین خواسته علیه صادرکننده سند تجاری که متعهد اصلی است نیاز به ایداع خسارت احتمالی ندارد؛ زیرا قانون گذار فقط اصل مسئولیت تضامنی را منوط به و اخواست سند تجاری در موعد مقرر کرده است؛ به عبارت دیگر صدور قرار تامین خواسته بدون ایداع خسارت احتمالی صرفاً منوط به و اخواست سند شده است؛ نه و اخواست سند تجاری در موعد مقرر فلذا مستندا به بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور مدنی و رای وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخه ۱۳۶۹/۰۷/۱۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور قرار قبول تامین خواسته و توقیف اموال بلامعارض خوانده را به میزان مبلغ مذکور صادر و اعلام می‌دارد. قرار صادره پس از ابلاغ قابل اجراست و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در همین دادگاه می‌باشد.

۴-۱-۲-۴- تامین خواسته (موضوع دعوا سند عادی)

قرار دادگاه

در خصوص درخواست خانم به طرفیت دایر بر صدور قرار تامین خواسته؛ نظر به اینکه مستند دعوی خواهان سند عادی بوده و بدین منظور جهت تودیع خسارت احتمالی به میزان ۲۰ درصد از خواسته به خواهان اخطار گردید لیکن با وصف ابلاغ اخطاریه و سپری شدن موعد قانونی اقدامی در پرداخت آن انجام نداده است لذا این مرجع درخواست را وارد ندانسته و مستندا به بند د ماده ۱۰۸ و تبصره همین ماده و نیز مواد ۱۱۶ و ۱۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد درخواست صادر و اعلام می‌گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همین مرجع می‌باشد.

۴-۱-۲-۵- تامین خواسته (تودیع خسارت احتمالی)

بتاریخ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان به تصدی اینجانب امضاکننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

قرار دادگاه

در خصوص درخواست آقای به طرفیت آقای مبنی بر صدور قرار تامین خواسته از اموال بلامعارض خوانده ۸ فقره سفته به شماره های همگی بتاریخ سررسید جمعا به مبلغ ۵۹۸۰۰۰۰۰۰ ریال ؛ با توجه به اینکه خواهان نسبت به اخذ و اخواس مبادرت ننموده است اما نظر به اینکه خواهان حسب قبض سپرده با کد رهگیری مورخه نسبت به تودیع خسارت احتمالی مدنظر این شعبه به صندوق سپرده دادگستری اقدام نموده است فلذا مستندا به بند د ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۱۱۶ و ۱۱۷ همان قانون قرار توقیف اموال بلامعارض خوانده به میزان مبلغ مذکور را صادر و اعلام می دارد. این قرار قبل از ابلاغ به خواهان قابل اجرا و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در این دادگاه می باشد.

۴-۱-۲-۶- تامین خواسته چک (گواهی عدم پرداخت ظرف ۱۵ روز)

بتاریخ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان به تصدی اینجانب امضاکننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

قرار دادگاه

در خصوص درخواست آقای با وکالت به طرفیت آقای مبنی بر صدور قرار تامین خواسته از اموال بلامعارض خوانده مطالبه وجه چک به شماره به میزان یک میلیارد ریال بانک ... با توجه به اینکه خواهان در

خسارت وارده به خواننده ناشی از دستور موقت، بیش از مبلغ خسارت احتمالی ایداع شده باشد، چنانچه حکم به نفع خواهان صادر نشود و خواننده متحمل خسارت گردد مانند هر خسارت دیگری از ناحیه متضرر قابل مطالبه می‌باشد.

۴-۲-۱-۳- فوریت در دستور موقت

در صدور دستور موقت موضوع باید فوریت داشته باشد، برخلاف تامین خواسته که فوریت شرط نیست.

« فوریت امری موضوعی است که تشخیص آن به صلاحدید دادگاهی که به درخواست دستور موقت رسیدگی می‌نماید واگذار شده است. در تعریف و توضیح فوریت گفته می‌شود فوریت وقتی وجود دارد که اگر درخواست دستور موقت پذیرفته نشود، قبل از اینکه حکم در اصل دعوا صادر شود، به متقاضی دستور، خسارتی خطیر و غیرقابل جبران که فوری یا قریب الوقوع است وارد خواهد شد. عواملی که در تشخیص فوریت موثر است عبارتند از:

۱. فوریت و قدمت وضعیت اعلام شده: که بر این اساس اقدامی که فوریت دارد اقدامی است که باید بدون مهلت انجام شود. ولیکن قدمت وضعیت اعلام شده لزوماً نمی‌تواند به معنای عدم فوریت باشد و تجویز درخواست دستور موقت بعد از اقامه دعوا می‌تواند موید این امر شمرده شود.

۲. فوریت و امکان اعاده وضعیت: به این معنا که اگر وضعیت زیان باری که ذینفع حسب مورد برای پیشگیری از آن و یا قطع آن درخواست دستور موقت می‌نماید قابل برگشت و یا قابل جبران باشد، می‌توان درخواست را رد نمود و در غیر این صورت صدور دستور الزامی است.

۳. فوریت و ارزیابی منافع مطروح: در صدور دستور موقت قاعده انصاف حکم می‌نماید که دادگاه در مقام اتخاذ تصمیم منافع طرفین و حتی اشخاص ثالث را ارزیابی نماید، بدین نحو که آثار زیان بار صدور دستور موقت و یا رد درخواست را نسبت به آنها مورد سنجش قرار دهد. حمایت از منافع متقاضی نباید طرف مقابل و اشخاص ثالث را در وضعیتی قرار دهد که برای آنها غیرقابل بازگشت بوده و یا در معرض خسارتی

خطیر و غیر قابل جبران قرار دهد.» (دکتر عبدالله شمس، موارد صدور دستور موقت و عوامل موثر در تشخیص آن، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، صفحات ۳۶ الی ۴۵)

تعیین وقت رسیدگی در دستور موقت

پرسش: در رسیدگی به درخواست‌های مربوط به دستور موقت اصل بر تعیین وقت رسیدگی است یا عدم تعیین وقت رسیدگی؟

نظر هیئت عالی

با توجه به تصریح ماده ۳۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، اصل بر تعیین وقت رسیدگی است و در موارد تشخیص فوریت دادرسی، دادگاه بدون تعیین وقت رسیدگی، مبادرت به صدور دستور موقت می‌نماید.

نظر اکثریت

نظر به تصریح ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی برای رسیدگی به امور فوری دادگاه روز و ساعت مناسبی را تعیین و طرفین را به دادگاه دعوت می‌نماید بنابراین اصل بر تعیین وقت رسیدگی است ولیکن در مواردی که به تشخیص دادگاه فوریت کار اقتضاء کند و دلایل و مدارک ارائه شده از سوی درخواست کننده متقن و محکم باشد و با احراز فوریت کار، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت رسیدگی نسبت به درخواست دستور موقت رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

نظر اقلیت: با توجه به ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیازی به تعیین وقت رسیدگی نبوده و می‌توان بدون تعیین وقت رسیدگی و دعوت از طرفین به درخواست صدور دستور موقت رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمود و رویه قضایی حاکم در محاکم نیز به همین منوال است.

(نشست قضایی استان قزوین، شهر قزوین، مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۵)

نظریه شماره ۷/۹۷/۲۴۱۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

برابر ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹، تشخیص فوری بودن موضوع درخواست با دادگاهی می‌باشد که صلاحیت رسیدگی به درخواست را دارد، بنابراین در خصوص درخواست صدور درخواست موقت بر منع نقل و انتقال رسمی ملک در صورتی به نظر دادگاه، استعلام ثبتی راجع به مالکیت خوانده به پلاک ثبتی منافی فوریت امر باشد، صدور دستور موقت بدون نیاز به استعلام ثبتی یا وصول پاسخ آن فاقد اشکال قانونی است.

۴-۲-۱-۴- تأیید رئیس حوزه قضایی در دستور موقت

اجرای قرار دستور موقت منوط به تأیید رئیس حوزه قضایی است.

منظور از تأیید اجرای دستور موقت توسط رئیس حوزه قضایی

۱- پرسش: اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی است. منظور از تأیید اجرای دستور موقت توسط رئیس حوزه قضایی چیست؟

نظر هیئت عالی

بدون تأیید رئیس حوزه قضایی اجرای دستور موقت ممکن نیست. لذا پس از تأیید مقام مزبور که مؤید صحت صدور دستور موقت تلقی میشود، اجرای آن مأذون شناخته میشود.

نظر اکثریت

تبصره یک ماده ۳۲۵ که تأیید رئیس حوزه قضایی را در اجرای دستور موقت آورده است، فقط به مصلحت اجرای دستور موقت و یا عدم مصلحت آن توجه داشته و رئیس حوزه قضایی فقط در این چارچوب باید بررسی و آن گاه تصمیم لازم را مبنی بر تأیید یا عدم تأیید اجرای دستور موقت اتخاذ نماید.

نظر اتفافی

با استفاده از وحدت ملاک ماده ۱۲۰ قانون مرقوم و دستور قانونگذار در ماده ۳۲۳ مبنی بر متقاضی دستور موقت ... محکوم خواهد شد. «لزوماً دادگاه باید حکم صادر نماید و صدور حکم محکومیت مستلزم رسیدگی است و در ماده ۳۲۴ قانون مرقوم تصریح به طرح دعوای خسارت شده است و اشاره ای به حذف تشریفات نشده است؛ لذا طرح دعوای مطالبه خسارت، مشمول مقررات عمومی آیین دادرسی مدنی است .

(نشست قضایی استان مازندران، شهر ساری، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۲)

۴-۲-۱-۱۵- دستور موقت در قوانین خاص

دستور موقت در برخی از قوانین خاص نیز پیش بینی شده است مثل: دستور موقت در دادگاه خانواده موضوع ماده ۷ قانون حمایت خانواده؛ موضوع دستور موقت در دعوای راجع به اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجارتي؛ دستور موقت در دیوان عدالت اداری؛ دستور موقت در دعوای ثلاث؛ دستور موقت در خصوص استفاده از خدمات مشترک ساختمان‌ها.

لزوم یا عدم لزوم اخذ تامین در دستور موقت دعوای خانوادگی

۱- پرسش: آیا عدم ضرورت اخذ تامین موضوع ماده ۷ قانون حمایت خانواده در مورد دستور موقت امور خانوادگی اختیاری است یا اجباری؟

نظر هیئت عالی

رعایت عدم ضرورت اخذ تامین موضوع ماده ۷ قانون حمایت خانواده در مورد دستور موقت در امور خانوادگی اجباری است و با دستور موقت موضوع مواد ۳۱۰ تا ۳۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی متفاوت است .

نظر اکثریت

اجباری است و نیازی به اخذ تامین نمی‌باشد، مضافاً اینکه واژه "می تواند" در این ماده (۷ قانون حمایت خانواده) صرفاً در مورد احراز فوریت است و ارتباطی

نظر اکثریت

مادام که رأی بدوی نقض نشده ولو اینکه حکم به رد دعوا صادر شده باشد، دستور موقت به اعتبار خود باقی است.

نظر اقلیت

به محض مردود دانستن اصل دعوا از سوی محکمه، از دستور موقت صادره نیز رفع اثر خواهد شد؛ زیرا دادگاه خواسته را موجه ندانسته و آن را رد کرده است. بنابراین خودش نیز از دستور موقت رفع اثر میکند.

(نشست قضایی استان خراسان رضوی، شهر نیشابور، مورخ ۱۳۸۰/۰۸/۱۶)

۴-۲-۱-۱۷- صدور دستور موقت در دعاوی که در صلاحیت داور است

گاهی اوقات مشاهده می‌شود که اصل دعوا در صلاحیت دادگاه نبوده و داور می‌بایست نسبت به آن رسیدگی نماید در چنین صورتی اگر متقاضی دستور موقت از دادگاه درخواست دستور موقت را نماید آیا دادگاه می‌تواند دستور موقت را صادر نماید یا اینکه چون دعوا در صلاحیت داور است باید از صدور دستور موقت امتناع نماید؟

«یکی از خलाهاى موجود در قانون آیین دادرسی مدنی عدم تصریح امکان صدور دستور موقت از جانب دادگاه یا دیوان داوری است. در شرایط کنونی این عدم تصریح موجب شده است تا از یک سو در عمل داوران نتوانند چنین قراری صادر کنند؛ از سوی دیگر حتی زمانی که طرفین برای مطرح کردن چنین درخواستی به دادگاه مراجعه می‌کنند، غالب دادگاه‌ها نیز به راحتی برای رسیدگی به این درخواست اعلام صلاحیت نمی‌کنند. به این استناد که ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی قاعده ای عام است و مرجع صالح جهت درخواست دستور موقت را دادگاهی می‌داند که اصل دعوا در آنجا مطرح است. با این شرایط نه دادگاه و نه دیوان داوری نوعاً به چنین درخواستی رسیدگی نمی‌کنند. به نظر می‌رسد اگر طرفین، توافقی در اعطای اختیار صدور قرار دستور موقت به داور داده باشند تا حدی این خلا تعدیل و اختیار اعطایی به عنوان بخشی از آیین

داوری مورد توافق طرفین می‌تواند از جانب داور مناط اعتبار قرار گیرد. گرچه برخی دستور موقت را به دلیل جنبه حاکمیتی آن از حدود اختیارات داور خارج می‌دانند، چون همواره اساس و منشا داوری ناشی از توافقی‌های طرفین بوده است لذا همین اراده‌ها نیز باید قادر باشند به داوران چنین اختیاراتی را اعطا کنند. ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی در اعطای اختیار صدور دستور موقت به داور موید و تقویت‌کننده این روش استنباط است. در غیر این صورت خلا قانونی یاده شده به ناکارآمدی و بی‌فلسفه ماندن نهاد داوری و ارجاع مستقیم دعاوی به دادگاه‌ها منجر خواهد شد.» (خلاهای قانون آیین دادرسی مدنی در صدور قرار دستور موقت از جانب داور، لیا جنیدی و رضا حق پرست، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صفحات ۴۱۲ و ۴۱۳)

در خصوص این موضوع به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود.

امکان صدور دستور موقت در قرار دادهای مشروط به داوری

پرسش: در قرار دادهایی که شرط داوری شده و رسیدگی به اختلاف طرفین به داوری محول شده است امکان صدور دستور موقت وجود دارد یا خیر؟ و اگر دستور موقت در دادگاه صادر شود (با عنایت به اینکه تا اعلام نظر داور امکان طرح دعوی در دادگاه وجود ندارد)، خواهان دستور موقت در مهلت مقرر در ماده ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی به جای طرح دعوی چه اقدامی می‌بایست انجام دهد تا از دستور موقت رفع اثر نشود؟

نظر هیئت عالی

با توجه به این که دادرسی فوری (صدور دستور موقت) بر خلاف قاعده است و اجابت خواسته صدور دستور موقت تابع شرایط و ضوابطی است که در ماده ۳۱۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده، در موافقت نامه داوری یا قرار دادی که شرط داوری وجود دارد؛ دادگاه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را ندارد بلکه رسیدگی و صدور رأی از طریق داور به عمل می‌آید؛ در نتیجه دادگاه صلاحیت صدور دستور موقت را نیز ندارد، به علاوه چون دستور موقت از اختیارات خاص دادگاه صالح به رسیدگی به اصل دعوا است؛ بنابراین داور نیز صلاحیت صدور دستور موقت را ندارد.

نظر اکثریت

در فرض سوال صدور دستور موقت با دادگاه می‌باشد و در این صورت چون امکان طرح دعوی اصلی در دادگاه وجود ندارد، اولین اقدامی که خواهان در راستای ارجاع امر به داوری انجام می‌دهد به منزله طرح دعوی در دادگاه خواهد بود. دلایل این نظریه: ۱ - قواعد داوری در آیین دادرسی مدنی دارای ابهامات جدی است و در خصوص دستور موقت توسط داور ساکت است ولی در ماده ۹ قانون داوری تجاری بین المللی داوری موضوع پیش بینی شده و صدور دستور موقت در صلاحیت دادگاه قرار گرفته است از ملاک این ماده می‌توان استفاده نمود که در خصوص موضوعات در صلاحیت داور امکان صدور دستور موقت هست و می‌بایست از طرف دادگاه صادر شود. ۲ - بعضی از امور حاکمیتی خارج از صلاحیت قاضی تحکیم هستند و می‌بایست از ناحیه قاضی منصوب انجام شود، یکی از این امور حاکمیتی صدور دستور موقت است که در صلاحیت قاضی تحکیم و داور نبوده و در صلاحیت دادگاه است علت آن هم اهمیت زیادی است که قانون به نحوه صدور دستور موقت داده و از شدت اهمیت، حتی نظر قاضی صادر کننده دستور موقت را کافی ندانسته و اجرای آن را به تایید رییس حوزه قضایی مربوطه منوط نموده است. حال که صدور دستور موقت در صلاحیت دادگاه است، اگر هنوز طرفین به داور مراجعه ننموده اند، اولین اقدامی که از ناحیه خواهان در راستای تهیه مقدمات داوری انجام می‌شود (از قبیل ارسال اظهارنامه به داور یا ارسال اظهار نامه به طرف مقابل جهت تعیین داور اختصاصی یا تراضی در خصوص داور مشترک) به منزله طرح دعوی در دادگاه می‌باشد یعنی برابر ماده ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی متقاضی دستور موقت ۲۰ روز پس از صدور دستور موقت فرصت دارد نسبت به ارسال اظهار نامه به داور یا طرف مقابل (حسب مورد) اقدام نماید.

نظر اقلیت

در فرض سوال امکان صدور دستور موقت وجود ندارد: دلیل این نظریه: با توجه به اینکه برابر ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی مرجع در خواست دستور

موقت، دادگاهی می‌باشد که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد، در صورت وجود موافقت نامه داوری و رجوع به داور، صدور دستور موقت هم از دادگاه و هم از داور غیر ممکن است چرا که با توجه به اینکه در ماده یاد شده کلمه "دادگاه" آمده، داور صلاحیت صدور دستور موقت را ندارد، و چون به "دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل موضوع را دارد" اشاره شده پس دادگاه هم با فرض وجود موافقت نامه داوری نمی‌تواند دستور موقت صادر نماید، چرا که با وجود موافقت نامه داوری، دادگاه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را ندارد بنابراین در فرض سوال هیچ یک از دادگاه و داور حق صدور دستور موقت را ندارند.

(نشست قضایی استان خراسان رضوی، شهر مشهد، مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۲)

۴-۲-۱-۱۸- صدور دستور موقت و صالح نبودن دادگاه حین رسیدگی

گاهی اوقات خواهان دادخواست دستور موقت و الزام به تنظیم سند را خواستار است و دادگاه بعد از صدور دستور موقت در حین رسیدگی متوجه می‌شود صالح نمی‌باشد به عنوان مثال مال غیرمنقول در حوزه قضایی دیگری واقع شده است در چنین صورتی این سوال مطرح است که آیا قاضی باید از دستور موقت عدول نماید یا خیر در این خصوص به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود.

حق عدول از دستور موقت زمانی که در

رسیدگی ماهیتی عدم صلاحیت دادگاه احراز شود

۱- پرسش: در صورتی که دادگاه دستور موقت صادر کند، لکن در رسیدگی به ماهیت دعوا، عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده دستور موقت معلوم شود آیا دادگاه صادرکننده دستور مزبور حق عدول از آن را دارد؟

نظر هیئت عالی

به استناد قسمت اخیر ماده ۳۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی صرف عدم صلاحیت در رسیدگی اصل دعوا موجبی برای لغو دستور موقت صادره نیست مگر اینکه طبق صدر ماده ۳۲۲ جهتی که موجب صدور دستور موقت شده

۴-۲-۱-۱۹- صدور دستور موقت در دعوای مطالبه وجه چک

گاهی اوقات خواهان درخواست صدور دستور موقت مبنی بر منع نقل و انتقال چک را از دادگاه خواستار می‌شود سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا امکان صدور دستور موقت در دعوای چک وجود دارد یا خیر در این خصوص به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود.

صدور دستور موقت عدم پرداخت وجه چک

۱- پرسش: آیا در خصوص درخواست صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت وجه چک، دادگاه می‌تواند دستور موقت صادر کند؟ بر فرض مجاز بودن صدور دستور، آیا درخواست کننده، دارای مجازات موضوع مواد ۳ و ۷ قانون صدور چک است؟

نظر هیئت عالی

با توجه به عمومات قانون تجارت در باب چک و مقررات قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱، صادرکننده چک در هر حال مکلف است با اطلاع از داشتن موجودی در بانک محال علیه، اقدام به صدور چک نماید تا دارنده چک بتواند با ارایه چک به بانک وجه آن را دریافت کند. ماده ۲ قانون صدور چک هم چک را در حکم اسناد لازم الاجرا معرفی و دارنده آن را مستحق دریافت وجه چک از بانک محال علیه معرفی کرده است، بنابراین به ویژه با عنایت به ماده ۱۴ و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۴ قانون صدور چک، الحاقی ۱۳۷۲/۸/۱۱، صدور دستور موقت بر منع بانک محال علیه از پرداخت وجه چک، وجهه قانونی ندارد و دادگاه باید درخواست متقاضی دستور موقت را مردود اعلام کند و با رد چنین درخواستی قسمت اخیر مسأله مطروحه موضوعاً منتفی خواهد بود. لازم است خاطر نشان شود ماده ۳۱۳ قانون تجارت و مواد ۳ و ۱۳ قانون صدور چک اقدام به صدور چک وعده دار را ممنوع اعلام کرده است.

نظر اکثریت

در مورد سؤال، دستور موقت صادر نمی‌شود چون برابر ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دستور موقت در اموری صادر می‌شود که تعیین تکلیف آن فوریت دارد و ملاک فوریت، زیان و خسارت جبران ناپذیر است، همانند دعاوی مربوط به قنوت، آب رودخانه، املاک مشاع، املاک مجاور، انتقال سند و... که در صورت عدم اتخاذ تصمیم فوری و ذیحق بودن مدعی پس از اثبات، جبران خسارت غیر ممکن یا لاقبل متعذر و دشوار باشد؛ اما در مورد چک این ملاک وجود ندارد.

نظر اقلیت

گروه اول: با لحاظ مواد ۳۱۰ و ۳۱۶ قانون اشاره شده، که به ترتیب مقرر میدارند (در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه به درخواست ذینفع برابر مواد زیر دستور موقت صادر میکند) و (دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عمل و یا منع از امری باشد) و نیز ماده ۳۱۵ همان قانون که صراحت دارد: (دادگاه در صورت تشخیص فوریت دستور موقت صادر نماید)؛ چون این درخواست منطبق با شق اخیر ماده ۳۱۶ قانون (منع از امری) است و به عنوان مثال شخصی در قبال ابتیاع کالای منقول نفیس، چکی به مبلغ کلان صادر کرده و تاریخ سر رسید چک در شرف حلول است اما مبیع را تحویل نگرفته و شخص خریدار در این مورد بخواهد از حق حبس موضوع ماده ۳۷۷ قانون مدنی استفاده کند، چون چک، ثمن نیست تا تسلیم آن، حق حبس را ساقط نماید بلکه وسیله پرداخت است و فرض آنکه فروشنده از اتباع بیگانه بوده یا پس از دریافت وجه چک دسترسی به او متعذر و دشوار میشود، مسلماً این مورد از مواردی است که صدور دستور موقت جایز است، اما درخواست کننده دارای مجازات موضوع مواد ۳ و ۷ قانون چک نیست. گروه دوم: ضمن پذیرش پاسخ گروه اول به قسمت اول اقلیت سؤال، معتقد به اعمال مجازات موضوع مواد ۳ و ۷ قانون چک بوده به این دلیل که قانونگذار برای دارنده چکی که به هر جهت غیر قابل پرداخت است حق شکایت قایل شده و

موجب وصول نشدن چک در ماده ۳ قانون مربوطه احصا شده و از جمله آنها دستور عدم پرداخت وجه چک توسط صادرکننده است و در ما نحن فیه گرچه دستور موقت را دادگاه صادر کرده؛ اما صدور دستور به درخواست صادرکننده بوده و فی الواقع دستور عدم پرداخت بالواسطه و بالتسبیب بوده است. در نتیجه مجازات ماده ۷ قانون چک در مورد درخواست کننده دستور موقت قابل اعمال است، همان طور که در سایر موارد غیر چک، چنانچه از دستور موقت ضرری متوجه محکوم علیه (خواننده) گردد، خواهان مسؤول تدارک و جبران خسارت وارده است نه دادگاه صادرکننده حکم.

(نشست قضایی استان مازندران، قائم شهر، مورخ ۱۳۸۰/۰۹/۱۶)

صدور دستور عدم پرداخت وجه چک و مصادیق آن

۲- پرسش: آیا صدور دستور موقت مبنی بر امتناع از پرداخت وجه چک با مقررات قانونی انطباق دارد؟

نظر هیئت عالی


مطابق ماده ۱۴ قانون صدور چک، صادرکننده چک، ذی نفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به این که چک مفقود، سرقت و جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت یا جرایم دیگر تحصیل شده است، می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه آن را به بانک بدهد؛ لذا با توجه به این که موارد صدور دستور عدم پرداخت وجه چک، در قانون مشخص شده است و با توجه به مراتب و ماهیت حقوقی انواع چک به شرح مندرج در ماده ۱ قانون صدور چک درخواست صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت وجه چک به استناد ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ مغایر با اصول کلی و فلسفه صدور چک و اصل سرعت و گردش در این گونه اسناد است بنابراین، نظر اقلیت قضات دادگستری تبریز تأیید می شود.

۴-۳-۳-۲-۳- تفاوت‌های اعتراض ثالث اجرایی با اعتراض ثالث حکمی

۴-۳-۳-۲-۱- تفاوت اول: مرجع رسیدگی

در اعتراض ثالث حکمی رسیدگی با دادگاه صادرکننده حکم قطعی خواهد بود که ممکن است دادگاه بدوی باشد یا تجدیدنظر. پس به صورت خلاصه مرجع رسیدگی به اعتراض ثالث حکمی می‌تواند حسب مورد دادگاه بدوی یا تجدیدنظر باشد، اما در اعتراض ثالث اجرایی همیشه با دادگاه بدوی است چون دادگاه صادرکننده اجرائیه همیشه دادگاه بدوی می‌باشد و اعتراض ثالث اجرایی نیز همیشه در دادگاه بدوی رسیدگی می‌شود.


رویه قضات دیوان عالی و تجدیدنظر:

 چنانچه نسبت به دادنامه ای که پیش تر در دیوان عالی کشور ابرام شده است اعتراض ثالث شود در هر صورت دادخواست باید به دادگاه صادرکننده رأی قطعی داده شود و نیازی به تجویز رسیدگی در دیوان عالی کشور ندارد.

دادنامه شماره: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۳۰۰۳۳۳ - مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۶

مستشاران شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور

احمدی - جعفری

 در صورتی که دادگاه تجدیدنظر، قرار رد دعوی تجدیدنظرخواهی را صادر نماید، رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث در صلاحیت دادگاه بدوی است نه تجدیدنظر.

دادنامه شماره: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۰۷۷۶ - مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۳

رئیس شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

باقری - رشیدی

۴-۳-۲-۳-۲- تفاوت دوم: رعایت تشریفات و عدم رعایت تشریفات
 با توجه به قیودی که در ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی در خصوص اعتراض
 ثالث اجرایی آمده است و قانونگذار بیان نموده که "شکایت شخص ثالث در تمام
 مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی
 می‌شود" می‌توان برداشت نمود که شکایت شخص ثالث نیاز به تقدیم دادخواست ندارد
 و صرف لایحه نیز کفایت می‌کند. چرا که در متن ماده ۱۴۷ از واژه "شکایت" و "بدون
 رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی" استفاده شده است و همچنین هزینه دادرسی نیز
 نیاز نمی‌باشد اما اعتراض ثالث حکمی نیازمند تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه
 دادرسی می‌باشد.

این که اعتراض ثالث اجرایی قابل اعتراض است یا قطعی و بقیه مباحث در این
 خصوص در جلد‌های آتی با توجه به اینکه موضوع کتاب مانحن فیه بحث توقیفات و
 اموری می‌باشد که قبل از تشکیل اولین جلسه دادرسی مقام قضایی باید نسبت به آن
 تعیین تکلیف نماید مباحث فوق الذکر در ادامه و جلد‌های آتی اشاره می‌گردد.

تشریفات رسیدگی اعتراض ثالث موضوع

ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی

پرسش: آیا اعتراض ثالث موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی با توجه
 به رأی وحدت رویه ۷۲۵ دیوان عالی کشور دعوی مالی است؟

نظر هیئت عالی

نظر به این که به موجب ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، موضوع، شکایت
 شخص ثالث نسبت به اقدامات مأمور اجرا است که قطع نظر از مالی یا غیرمالی
 بودن دعوی، قانونگذار به‌طور مشخص برای تمام مراحل اقدامات شاکی یا
 معترض را بدون تشریفات و بدون هزینه منظور نموده است. لذا نظر به این که
 هیچ‌گونه اثر عملی و حقوقی بر مالی یا غیرمالی بودن چنین دعوی‌ایی اعم از
 مرحله بدوی یا تجدیدنظر وجود ندارد لذا بحث از مالی یا غیرمالی بودن خروج
 موضوعی نسبت به دعوی مذکور داشته و فاقد آثار عملی و اجرایی است. در
 نتیجه نظرهای ابرازی در نشست قضایی تبریز مورد تأیید نمی‌باشد.

نظر اکثریت

اعتراض ثالث موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی دعوی غیر مالی است و رأی وحدت رویه ۷۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز به اطلاق آن را قابل تجدیدنظر می‌داند؛ و از طرف دیگر چون در دعاوی غیرمالی نیز هزینه دادرسی پرداخت می‌شود پس ذکر عدم اخذ هزینه دادرسی دلالتی بر مالی بودن اعتراض ندارد. زیرا در اعتراض ثالث غرض اصلی معترض تحصیل مال نیست و اعتراض به اقدامات اجرایی است و مقنن در ماده موصوف چهار بار کلمه «شکایت» را استعمال نموده که مؤید غیرمالی بودن آن است.

نظر اقلیت

مقنن در ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی رسیدگی به اعتراض ثالث را نیازمند تشریفات و هزینه دادرسی ندانسته، که از مفهوم مخالف ماده چنین مستفاد می‌شود که قانونگذار دعوی اعتراض ثالث را دعوی مالی می‌داند و به همین دلیل تصریح به عدم پرداخت هزینه دادرسی نموده که رأی وحدت رویه ۷۲۵ - ۱۳۹۱/۰۴/۲۰ دیوان عالی کشور نیز صرفاً به قابل تجدیدنظر بودن رد اعتراض ثالث به لحاظ حکم تلقی شدن این تصمیم اشاره دارد و مطلبی در رابطه با مستثنی بودن سایر قواعد الزام‌آور برای اعتراض ثالث بیان نکرده که حاکی از جاری بودن قواعد آیین دادرسی مدنی در رابطه با موضوع سؤال است مگر مواردی که خود مقنن استثنا نکرده باشد؛ برخلاف نظر همکاران که عقیده به غیرمالی بودن اعتراض مطروحه دارند موضوع اختلاف در مالکیت مال توقیفی بوده و و این از مصادیق بارز دعوی مالی است. از طرف دیگر مصداقی برای توقیف موضوع غیرمالی نمی‌توان یافت.

(نشست قضایی استان آذربایجان شرقی، تبریز، مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۲)

۴-۳-۳-۲-۳-۳- تفاوت سوم: معیار تشخیص اعتراض ثالث حکمی و اعتراض ثالث اجرایی

معیاری که برای مقام قضایی مشخص می‌کند درخواست کننده باید اعتراض ثالث اجرایی را مطرح کند یا اعتراض ثالث حکمی این است که اگر حکم دادگاه بر مال معینی صادر شده باشد در این خصوص اعتراض ثالث حکمی باید مطرح گردد؛ حال فرقی نمی‌کند شخص ثالث ادعای حق عینی در مال معینی نماید یا منفعی در مال معین. بدین توضیح که مقام قضایی در دعوی الزام به استرداد یک دستگاه خودرو، حکم صادر نموده حال شخص ثالثی اعتراض می‌کند که این خودرو را با قولنامه خریده است و دادگاه در این خصوص متوجه نشده و حق ایشان را نادیده گرفته است، در چنین صورتی باید دادخواست اعتراض ثالث حکمی مطرح گردد چون حکم بر مال معینی صادر شده است اما اگر موضوع حکم وجه نقد باشد و در مرحله اجرا برای اینکه محکوم له به حق خودش دست یابد، اموال محکوم علیه را توقیف نموده باشد و موضوع حکم مال معینی نباشد در چنین صورتی موضوع اعتراض ثالث اجرایی است. بدین توضیح که دادگاه حکم به محکومیت شخص ب به میزان صد میلیون تومان صادر نموده است و در مرحله اجرا شخص ب مبلغ محکوم به را پرداخت نمی‌کند و شخص الف (محکوم له) اموال شخص ب را توقیف می‌نماید. حال شخص ج مدعی می‌شود که این اموال متعلق به او می‌باشد در چنین صورتی شخص ج باید در خواست اعتراض ثالث اجرایی را تقدیم دادگاه نماید.

در ادامه به نمونه قراری در این خصوص اشاره می‌شود.


۴-۳-۳-۲-۳-۳- نمونه قرار صادره در خصوص تفاوت اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث حکمی

بتاریخ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان به تصدی امضا کننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر قرار دارد. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.

لازم به ذکر است مباحث کامل در خصوص شرایط درخواست صدور اجرائیه چک در کتاب همیار دادگاه حقوقی جلد اول مبحث اسناد تجاری به صورت کامل اشاره شده است لذا در این مجلد از مباحث تفصیلی در این خصوص خودداری می‌شود.


۶-۴- دادخواست اعسار از طرف تاجر و شخص حقوقی

طبق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی دادخواست اعسار از تاجر و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند و اگر دادخواست اعسار از طرف اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان قرار رد دادخواست وی را صادر می‌کند. با توجه به ماده فوق‌الذکر اگر شخص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است مبادرت به طرح دادخواست اعسار نمایند دادگاه قبل از تعیین وقت رسیدگی می‌تواند به استناد این ماده قرار رد دادخواست را صادر نماید.

 صرف تصدی به مدیریت عاملی شرکت تجاری موجب تاجر شناخته شدن مدیرعامل نیست؛ بنابراین دعوی اعسار وی در صورت بودن شرایط پذیرفته می‌شود.

دادنامه شماره: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۴۴۰۰۳۲۸ - مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۳۰

شعبه ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - رئیس و مستشار
احمد شیخ علیا لواسانی - علی کرمی صادق آبادی

 چنانچه مدیر عامل شرکت از بابت بدهی شخصی (مهریه همسر) مدیون باشد، دعوی اعسار از او پذیرفته می‌شود و نیازی به طرح دعوی ورشکستگی به عنوان تاجر به طرفیت او نیست؛ زیرا بدهی شخصی، مستقل از بدهی شخص حقوقی (شرکت) است.

دادنامه شماره: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۵۰۱۹۱۰ - مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۰

رئیس و مستشار شعبه ۴۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
علیمحمدی - غفاری

بررسی پذیرش درخواست اعسار از تاجر

پرسش: در ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. حال سوال این است که حکم این ماده مطلق است یا اینکه ایشان می‌تواند نسبت به دیونی که ارتباطی با معاملات تجاری او ندارد دعوی اعسار مطرح کند (به فرض نسبت به مهریه یا نفقه همسرش)؟

نظر هیئت عالی

بنا به مستنبط از ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ورشکستگی تاجر که در حکم اعسار است شامل دیون مدنی و تجاری می‌گردد؛ بنابراین حکم ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی اطلاق دارد و به سایر دیون تاجر نیز تسری داشته و بنا به مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۱۹ و ۴۲۳ قانون تجارت ورشکسته جهت حفظ حقوق طلبکاران حق مداخله در اموال خود را ندارند، در نتیجه دعوی اعسار در مورد تاجر مصداق ندارد.

نظر اکثریت: آنچه از ماده ۴۱۲ قانون تجارت استنباط می‌گردد دیون تاجر اعم از مدنی و تجاری را شامل می‌گردد و لذا مطلق می‌باشد پس نمی‌توانیم قائل به تفکیک باشم و در هر حال شخص تاجر نمی‌تواند دعوی اعسار مطرح کند هر چند نظراتی نیز هست که اگر دین مدنی شخص تاجر در حدی نباشد که وضعیت تجاری او را از نظر مالی دچار بحران نماید اعسار او پذیرفته نمی‌شود و اگر چنین هم باشد شخص تاجر صرفاً می‌تواند دعوی ورشکستگی مطرح کند که خود نوعی اعسار است.

نظر اقلیت: ورشکستگی مختص دیون تجاری است و ارتباطی به دیون مدنی شخص تاجر ندارد. و لذا دادخواست ورشکستگی صرفاً راجع به مباحث تجاری پذیرفته است و از شخص تاجر راجع به دیون مدنی وی دعوی اعسار پذیرفته است.

(نشست قضایی استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۹)

نظریه شماره ۷/۹۵/۱۱۱۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۱۲

استعلام:

اگر تاجر دادخواست اعسار تقدیم نماید دادگاه باید قرار عدم استماع صادر کند یا رد دعوی.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

گرچه بین قرار عدم استماع دعوا و قرار رد دعوا از حیث آثار، تفاوتی به نظر نمی رسد، با این حال با توجه به اینکه برابر ماده ۳۳ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ و ماده ۵۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی اصولاً دادخواست اعسار از تاجر قابل پذیرش و استماع نیست، بنابراین به نظر می رسد در فرض سؤال صدور قرار عدم استماع دعوا موجه است.

نظریه شماره ۷/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۱۶

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

برابر ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، دادخواست اعسار از تاجر پذیرفته نمی‌شود. با توجه به ذیل این ماده که مقرر می‌دارد تاجر مدعی اعسار باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کند، بنابراین طرح درخواست ورشکستگی از سوی شخصی که در حال حاضر تاجر نیست منتفی است. ادعای اعسار از او قابل پذیرش است ولو اینکه دین مربوط به معاملات تجارته وی در زمان تاجر بودن او باشد.

۶-۶-۳- تکلیف دادگاه در صورت ادعای جعلیت نسبت به قرارداد داوری

رسیدگی به دعاوی بر اساس اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه-های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه-های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی در صلاحیت دادگاه-های عمومی حقوقی است و شرط یا قرارداد داوری امری خلاف اصل و صرفاً مانع صلاحیت دادگاه‌ها بر اساس اراده طرفین است؛ لذا در هر موردی که نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد، از جمله ادعای جعل قرارداد داوری، طبق ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی دادگاه-های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ دادگاه باید ابتدا به آن رسیدگی و وجود قرارداد داوری را احراز و سپس تعیین داور کند. همچنین برای رسیدگی به ادعای جعل، الزام مدعی جعل به طرح دعوی اثبات جعلیت ضرورت ندارد و دادگاه طبق مقررات مواد ۲۱۹ به بعد قانون یاد شده به ادعای مجعول بودن قرارداد داوری رسیدگی می-کند و در صورت اثبات، از تعیین داور خودداری و در صورت اثبات اصالت قرارداد داور را تعیین می-کند.

۶-۶-۴- نکته دوم: مهلت تعیین داوری

هنگامی که طرفین درخواست تعیین داور را از دادگاه می-نمایند، طبق ماده ۴۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی و مدت داوری را کتبا به داوران اعلام می-نماید. در چنین صورتی با توجه به ماده فوق الذکر مدت داوری باید به داوران ابلاغ شود. حال مدت داوری چه زمانی باید باشد بین حقوقدان‌ها اختلاف بوده و برخی قائل بر این هستند که مدت داوری در اختیار دادگاه می-باشد و برخی قائل بر این هستند که مدت داوری در اختیار دادگاه نبوده و دادگاه بدوا می-بایست به قرارداد طرفین مراجعه و در صورتی که در قرارداد برای داوری مدتی ذکر شده باشد طبق مدت داوری تعیین شده، مدت را مشخص نماید. به عنوان مثال اگر در قرارداد برای داور مدت دو ماهه ای تعیین شده باشد، باید در تعیین داور نیز مدت دو ماهه ذکر گردد و در